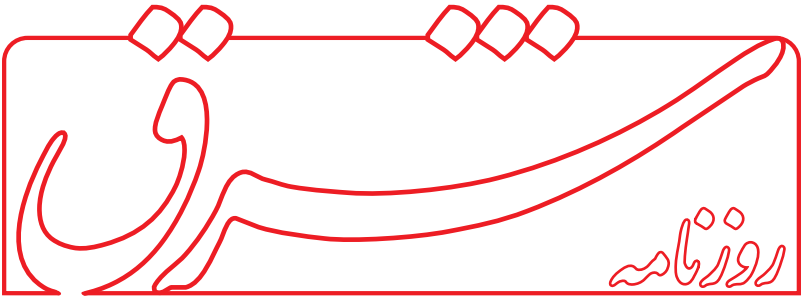




روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی خیابان فلسطین، کوچه برادران غفاری، پلاک ۲۶
تلفن: ۸۸۹۸۶۸۲۹-۲۷-۸۸۹۸۶۸۲۸ نمایر: ۸۸۹۸۶۸۲۸-۸۸۹۶۷۷۲۰
امور مشترکین: تلفن: ۸۸۸۱۲۳۲-۲۲-۸۸۸۱۲۳۲
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵-۶۶۱۸۳۱۳۰
چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۸۰۶۲۷۶
www.sharhnewsaper.ir

تهران : آدان ظهر ۱۳:۰۲ آذان مغرب ۳:۰۳ آذان صبح فردا ۵:۱۸ طلوع آفتاب ۶:۴۳



یکشنبه ۱۹ شهریور ۱۳۹۱ ۲۲ شوال ۱۴۳۲ ۹ سپتامبر ۲۰۱۲ سال دهم شماره پیاپی ۱۶۲۲ شماره ۶۹۸ دوره جدید ۲۰صفحه

بررسی «ادبیات مهاجرت» با حضور «صفاری» در «عصر روشن»



ایسنا: بیست‌وهشتمین نشست «عصر روشن» به بررسی «ادبیات مهاجرت ایران» می‌پردازد و گروهی از شاعران کشور در این نشست به شعرخوانی و سخنرانی می‌پردازند. در این نشست که روز دوشنبه، ۲۰ شهریورماه جاری، برگزار می‌شود، عباس صفاری، محمدشام اکبربانی و علیرضا بهرامی در میزگردی به بررسی ادبیات مهاجرت ایران می‌پردازند. این نشست «عصر روشن» که استثنائا در روزی غیر از پنجشنبه برگزار می‌شود، از ساعت ۱۷:۳۰ روز دوشنبه، ۲۰ شهریور، در کتابسرای روشن واقع در تهران، خیابان سمیه، نرسیده به تقاطع مفتح، پذیرای علاقمندان خواهد بود.

یاد

۲۰ سال پس از درگذشت پروفسور حسابی

وحدت واقعی حوزه و دانشگاه



غلامرضا حیدری

هرساله در یکی از پنجشنبه‌های شهریورماه، بنیاد «پروفسور محمود حسابی» مراسم باشکوه یادبود ایشان را برگزار می‌کند. این مراسم، صبح در منزل ایشان در تهران و بعدازظهر همان روز بر سر مزارشان در تفرش برپا می‌شود.

صبح پنجشنبه‌ی شانزدهم شهریور در مراسم تهران به همراه همسر و جمعی از اقوام شرکت کردم. انصافا در بیستمین سال فوت ایشان، جمعیت فراوانی از اقشار مختلف و مقامات کشوری و لشکری حضور داشتند. مجری برنامه بسیار حرفه‌ای و جامع، جلسه را اداره می‌کرد. شاگردان و دوستاندارن دکتر به ذکر خاطرات و ویژگی‌های خاص ایشان می‌پرداختند. برخی با تاکید بر شخصیت علمی و جهانی دکتر حسابی، ایران‌دوستی ایشان را بسیار حایز اهمیت می‌دانستند، در حالی که در مقاطع مختلف می‌توانستند در معتبرترین دانشگاه‌های دنیا مشغول باشند ولی زندگی در ایران و خدمتگزاری به وطن را ترجیح می‌دادند.

بنده نیز خاطراتی از ایشان درباره تفرش و دانشگاه تفرش ارایه دادم. ایشان معتقد بودند تفرش دارای آنچنان اقلیم مناسبی است که دانشگاه تفرش می‌تواند همچون دانشگاه‌های آکسفورد و کمبریج بدرخشد.

۲۰سال پیش، در مراسم یادبود ایشان در دانشگاه تهران، مرحوم «علامه محمدتقی جعفری» از خاطرات‌شان با دکتر حسابی گفتند: «با پروفسور حسابی ما پروازها داشتیم و خیلی پیش‌تر از اینها وحدت واقعی حوزه و دانشگاه را عملا تحقق دادیم»

به استناد این سخن مرحوم علامه جعفری، به نظر می‌رسد در پس تمامی ویژگی‌ها، گفتار و رفتارها، نوع نگاه و ذهنیت پروفسور محمود حسابی نسبت به جهان هستی و پدیده‌های آن قابل تأمل و پندآموزی است.

آنچه را که در فرآیند رنسانس و پس از آن در غرب، نسبت به علم به مفهوم Science پیش رفت، دکتر حسابی به وضوح آن را درک کرده بود؛ نکته‌ای که متاسفانه هنوز برای برخی مبهم است. او با همه وجود دریافته بود که جهان هستی با مجموعه‌ای از پدیده‌های معنادار و در تعامل با یکدیگر به سوی هدفی در حال سیورورت‌اند و یکی از خلاقیت‌ها و هنرنمایی‌های انسان، کشف روابط بین این پدیده‌ها و تعمیم و به‌کارگیری آنهاست و اینجاست که تکنولوژی زاییده می‌شود و به خدمت انسان درمی‌آید.

آنچه را که بنده می‌خواهم در این نوشتار به استاد سخن مرحوم علامه جعفری تاکید کنم این است که بنیاد پروفسور محمود حسابی با کمک محافل علمی و دانشگاهی، روی موفله‌های مدل ذهنی دکتر حسابی پژوهش و کندوکاو کنند زیرا در این صورت می‌توان به منشأ این همه آثار و برکات ایشان به‌گونه‌ای بی برد که بتواند برای الگوبرداری آسان‌تر دیگران، تدوین و قابل آموزش باشد.

«نماینده دوره‌های دوم و سوم تفرش در مجلس

کارتون‌خواپ

حسن کریم‌زاده

www.karimzadehstudio.com



آکادمی

سوسک سایبری؛ ابزاری برای کمک به زلزله‌زده‌ها

در برد. این سوسک سایبری می‌تواند برای دنبال کردن یک مسیر از قبل تعیین‌شده هدایت شود. مرجیان این طرح، یک کنترل‌کننده را به پشت این سوسک پنج‌ساختی متری متصل

کرده و آن را به‌وسیله سیم به شاخک‌ها و شکم سوسک ارتباط دادند. دستورات بیسیم به این کنترل‌کننده میکروبی موجب می‌شد سوسک فکر کند موانعی یا خطری در آن نزدیکی است، همین امر باعث می‌شد به صورت دلخواه مسیرش را تغییر دهد. محققان این پروژه می‌گویند قصد داشتیم دریابیم آیا می‌توان برای نفوذ در فضاهای کوچک در فعالیت‌های سوسک‌ها به صورت بیسیم دخالت زیستی داشته باشیم یا خیر.



مهر: سوسک‌های آسیب‌ناپذیر اکنون می‌توانند ابزار ایده‌آلی برای نجات یا فعالیت‌های جاسوسی باشند. محققان دانشگاه دولتی کارولینا در تلاش برای نفوذ در فضاهای بسیار کوچک

در وقایعی مانند زلزله یا ماموریت‌های جاسوسی یک بورد مداری مینیاتوری را به بدن یک سوسک بزرگ ماداگاسکاری متصل کرده و کنترل بدن او را در اختیار گرفتند. آنها توانسته‌اند کنترل و هدایت حرکات این سوسک را از طریق یک کنترل‌کننده در مقیاس میکرو که روی پشت این حشره قرار داده شده، به دست بگیرند.

محققان می‌گویند این ابزار معمولی و ارزان است و می‌تواند از یک جنگ هسته‌ای جان سالم به

دکه

«زنده‌رود» تابستان ۹۱ آمد

فصلنامه فرهنگ، ادب و تاریخ «زنده‌رود»، تابستان ۹۱ منتشر شد. در شماره ۵۴ «زنده‌رود»، داستان زنده‌رود ۲ و آثار و نوشتاری از ناهید طباطبایی، حامد حبیبی، غلامرضا رضایی، آرزو فرहत، فرهاد کشوری و... منتشر شده‌است. همچنین آثاری از «آبراک باشویس سنگیر» با ترجمه مزده دقیقی،

جعبه جادویی

«کلاه پهلوی» روی آنتن نرفت

برخلاف اعلام قبلی شبکه اول سیما نخستین قسمت مجموعه تلویزیونی «کلاه پهلوی» به کارگردانی ضیاءالدین دری جمعه ۱۷ شهریور روی آنتن نرفت و به جای آن قسمتی از مجموعه پرستاران پخش شد. تصویربرداری مجموعه تلویزیونی «کلاه پهلوی» به کارگردانی ضیاءالدین تری از ۱۵ تیر سال ۱۳۸۵ آغاز شد. بخش مهمی از سریال در شهرک سینمایی غزالی ساخته شده بود. بخش دیگری از این سریال هم در کشور فرانسه فیلمبرداری شد. همزمان با تصویربرداری این سریال تاریخی صحبت‌هایی هم درباره زمان پخش آن از شبکه یک سیما مطرح شد و ابتدا قرار بود این سریال پس از «مختارنامه» روی آنتن برود اما این اتفاق نیفتاد و «شوق پرواز» پخش شد.

شرق

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی خیابان فلسطین، کوچه برادران غفاری، پلاک ۲۶
تلفن: ۸۸۹۸۶۸۲۹-۲۷-۸۸۹۸۶۸۲۸ نمایر: ۸۸۹۸۶۸۲۸-۸۸۹۶۷۷۲۰
امور مشترکین: تلفن: ۸۸۸۱۲۳۲-۲۲-۸۸۸۱۲۳۲
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵-۶۶۱۸۳۱۳۰
چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۸۰۶۲۷۶
www.sharhnewsaper.ir

تهران : آذان ظهر ۱۳:۰۲ آذان مغرب ۳:۰۳ آذان صبح فردا ۵:۱۸ طلوع آفتاب ۶:۴۳

چنگل آسمانالت

۱۰ سپتامبر، ۲۰ شهریور

روز جهانی پیشگیری از خودکشی



حامد محمدی‌کنگرانی

روانپزشک

وقتی از رادیو تمبلس گرفتند برای برنامه‌ای به مناسبت روز جهانی پیشگیری از خودکشی، این روز را فراموش کرده بودم و وقتی یک روانپزشک روز جهانی مهم‌ترین اورژانس رشته‌اش را فراموش می‌کند، نمی‌تواند از دیگران توقعی داشته باشد. زمانی به دلیل ضرورت شغلی در منطقه‌ای بودم که یکی از بالاترین آمارهای خودکشی را در کشور دارد و در این بین، خودسوزی روشی بسیار شایع است. روشی که به نظر من دردناک‌ترین روش خودکشی است و زنده ماندن از آن و دیدن بدن مجاله از آتش، دردناک‌تر، با وجود پرس‌و‌جوی زیاد، دلیل این موضوع را نفهمیدم در حالی که در دنیا خودسوزی معمولا یک روش خودکشی اعتراضی است، به نظر می‌رسد در این مناطق این روش به عنوان یک الگو نسل به نسل آموزش داده می‌شود و متأسفانه بعد از خودکشی ناکام، فرد تازه متوجه می‌شود که کتش از روش دیگری استفاده کرده بود.

در حال حاضر در یکی از مراکز درمانی، هر روز با افراد زنده‌مانده از خودکشی روبه‌رو می‌شوم. فکر نمی‌کنم تفاوت آماري چندانی بین ایران و سایر کشورها وجود داشته باشد. در همه‌جا زنان بیشتر از مردان خودکشی می‌کنند. ولی مردان به دلیل استفاده از روش‌های کشنده‌تر، بیشتر می‌میرند. شایع‌ترین روش خودکشی در جهان حلق آویز کردن است ولی در ایران خودکشی با دارو شایع‌ترین روش است و دلیل آن هم متأسفانه دسترسی آسان مردم به انواع داروها بدون نیاز به نسخه پزشک و وجود آبنار دارویی در هر خانه است. خودکشی با اسلحه برخلاف آمریکا، در ایران بسیار کم است.

خودکشی موضوع بسیار پیچیده‌ای است و به سادگی نمی‌توان در مورد دلیل اقدام به آن و میزان ضعف و قدرت فرد خودکشی‌کننده اظهار نظر کرد. تا سال‌ها اعتقاد بر این بود کسی که در مورد خودکشی خود صحبت می‌کند، اقدام به این کار نمی‌کند ولی امروزه می‌دانیم حدود ۸۰ درصد افراد پیش از خودکشی، حداقل با یک نفر در مورد آن صحبت کرده‌اند، بنابراین حتما باید هر صحبتی را جدی گرفت زیرا با وجودی که خودکشی تقریبا غیرقابل پیش‌بینی است ولی در اکثر مواقع قابل پیشگیری است.

امروزه بحث‌های اخلاقی پیچیده‌ای در مورد کمک به خودکشی در افراد ناتوان و خواستار خودکشی در تمام جهان مطرح است و محدود کشورهایی مانند سوییس آن را پذیرفته‌اند و مراکزی ویژه این کار تأسیس کرده‌اند که مراجعانی از نقاط مختلف دنیا دارند.

از سال ۲۰۰۲، از سوی سازمان بهداشت جهانی و انجمن بین‌المللی پیشگیری از خودکشی، ۱۰ سپتامبر به‌عنوان «روز جهانی پیشگیری از خودکشی» نامیده و راهکارهای مختلفی هم ارائه شده است. افزایش سطح بهداشت روان در جامعه، تشویق افراد به شرکت در کارها و ورزش‌ها و تفریح‌های گروهی، درمان اختلالات روانپزشکی، دسترسی آسان مردم به امکانات بهداشتی و درمانی، بهبود سطح رفاه اقتصادی و اجتماعی و عدم دسترسی مردم به روش‌های خودکشی و به ویژه در مورد ایران سختگیری در فروش دارو و ...

یکی از مهم‌ترین راهکارها، آموزش و افزایش آگاهی مردم در مورد خودکشی است. در روانپزشکی اعتقاد بر این است که صحبت در مورد خودکشی و سوال در مورد امکان اقدام به آن باید کاملا صریح و بدون پرده‌پوشی انجام شود و این کار بسز خودکشی را در فکر افراد نمی‌کارد و آنها را تشویق به این کار نمی‌کند شاید دیگر آسانی به هر دلیل، بدن خود را به شعله‌های آتش نسپارد.

پرش از اخبار

«فیوفولدر» های یک روزنامه‌نگار

منتشر می‌شود

■ فارس: بهمن هدایتی روزنامه‌نگار و یکی از فعالان عرصه مطبوعات یادداشت‌های روزانه خود در مطبوعات را در قالب کتابی مجزا منتشر می‌کند. بهمن هدایتی در مورد این کتاب گفت: ۹۴ یادداشت را برای انتشار انتخاب کردم. این یادداشت‌های انتقادی در موضوعات مختلفی اعم از اجتماع، سیاست، تاریخ و رسانه هستند و قرار است به همراه تصویر منتشر شوند. هر یک از این یادداشت‌ها ۳۰۰ کلمه دارند و به فعالیت مطبوعاتی من در سال ۱۳۹۱ - ۱۳۹۰ مربوط می‌شوند. نام این مجموعه یادداشت‌های مطبوعاتی «فیوفولدر» نام دارد و در حال حاضر به دست ناشر سپرده‌ام و در مرحله حرفه‌بینی و کسب مجوز قرار دارد. این کتاب به‌زودی از سوی انتشارات قلم علم منتشر خواهد شد.

توضیح

■ ستون بی تعارف به قلم مینو مشیری این هفته منتشر نمی‌شود

گشتی در خاطرات یک روزنامه‌نگار

اشتباه تایپی، سر آغاز اختلاف مصر و ایران

نوشیروان کیهانی‌زاده



روزنامه‌نگار حرفه‌ای بودن

خطر از دست دادن جان دارد

پس از اتمام نخستین دوره آموزش روزنامه‌نگاری ایران، در شهریورماه ۱۳۳۵ (دهه آخر دهه ۱۹۵۶) در سمت خبرنگار شرکت‌ها و بازار در میز اقتصادی (بیزنس دسک) روزنامه اطلاعات مشغول به کار شدم. دستمزد ثابت هر خبرنگار تازه‌کار در آن سال‌ها ۲۵۰ تومان (۳۵ دلار) بود ولی دریافتی آخر ماه ممکن بود به

هزاران تومان برسد. زیرا که در آن زمان روش پرداخت دستمزد به اعضای تحریریه «پوانی» بود. به این ترتیب که هر روز پس از انتشار روزنامه، مطالب چاپ شده هر خبرنگار (تنها خبرنگار نه، نویسندگان ثابت-ستادی) قیمت‌گذاری و هر ۱۵ روز محاسبه می‌شد، اگر جمع قیمت‌ها (اصطلاحا پوان‌ها) بیشتر از مقرری ثابت بود، آن مبلغ پرداخت می‌شد وگرنه، دستمزد ثابت و این روش، خبرنگاران را به تلاش و رقابت برانگیخته بود به‌ویژه که ارزش اخبار و مطالب اختصاصی بسیار بالا بود. اخبار ارسالی روابط عمومی وزارتخانه‌ها و خبرگزاری پارس قیمت‌گذاری نمی‌شد و تنظیم آنها کار دبیر میز بود، نه خبرنگار حوزه مربوط. این روش و نیز تاثیر دئروس دوره آموزش روزنامه‌نگاری که «روزنامه‌نگار» نباید دیکته‌نویس و رونوشت‌بردار باشد، باید برود و همانند کارآگاه پلیس مطلب به دست آورد و افشاسازی کند مرا برانگیخته بود تا خطر کنم. همین خطر کردن چند بار برای من دردرس‌ساز شد و حتی تا نزدیک مرگ به پیش برد و یک‌بار آن به دلیل افساسی ماجرای افزایش قیمت نمک در تهران بود. از اسفند ۱۳۳۵ (مارس ۱۹۵۷) بهای نمک طعام رو به افزایش گذارده و در بهار ۱۳۳۶ به ۱۰ برابر سابق رسیده بود. قضیه را پیگیری کردم و متوجه شدم که یک تاجر معتدنان با پرداخت پول به سایر صاحبان معادن نمک (معادل درآمدشان از استخراج نمک) از آنها خواسته که دیگر نمک تولید نکنند و کمبود حاصل از این اقدام، بهای نمک‌طعام را ۱۰ برابر کرده که این پول به جیب او می‌رود که معادن وی فعالیت دارد.

شاید همگان ندانند که یک اشتباه تایپی باعث تشدید جنگ سرد - رسانه‌ای - جنگ (الفاظ) مصر و ایران شد که از سپتامبر ۱۹۶۱ (شهریور ۱۳۴۰) تا سپتامبر ۱۹۷۰ (درگذشت



مقام دولتی مربوط با خواندن مطلب درصدد تعقیب آن معاندنارآمد. تاجر نمک به روزنامه تلفن زد و مرا برای مصاحبه با تعیین وقت به دفترش (که در طبقه دوم ساختمانی در ابتدای کوچه کیهان- خیابان فردوسی جنوبی، مقابل دفتر مرکزی بانک صادرات واقع بود) دعوت کرد. قبول کردم، اما وقتی وارد دفتر شدم خود را به جای تاجر، با دو چاقو به دست روبه‌رو دیدم و برای حفظ جان، به بالکن دفتر دویدم و از طبقه دوم به بیرون (پیداهو خیابان فردوسی) پریدم. خوش شانس‌ی من در آن روز این بود که زیر بالکن، چرخ طحاف‌ی یک میوه‌فروش دوره‌گرد متوقف بود پر از گوجه قررنگی و ... روی بساط او اقدام و تنها به مچ پایم آسیب وارد شد. یک اسکناس ۲۰تومانی (که در آن زمان ارزش ده‌ها برابر امروز را داشت) دادم، ساکت شد و بدون تماس با پلیس با تاکسی خود را به بیمارستان سینا که چندان دور نبود رساندم. بیمارستان خواست به کالترتی پلیس خبر دهد. گفتم که سرم گیج رفته به داخل جوی آب افتادم و کسی مقصر نیست و شکایت ندارم. روز بعد با پای گچ گرفته به روزنامه رفتم و صدایش را درنیاوردم. چرا؟ زیرا که می‌دانستم سناتور مسعودی ناشر روزنامه اطلاعات از جنجال واهمه دارد و مالا اخراج می‌شوم. در آن زمان در تهران تنها دو روزنامه (کیهان و اطلاعات) بودند که توان پرداخت دستمزد به نویسنده را داشتند و کار کردن برای روزنامه‌های دیگر که تیراژ سه تا پنج‌هزار نسخه‌ای داشتند رایگان بود! ناشران اطلاعات و کیهان هم با هم توافق کرده بودند که اگر یکی از آنها یک خبرنگار و نویسنده را بیرون کند، دیگری تا دو سال حق استخدام وی را نداشته باشد و چنین وضعیتی بسیار ترسناک و دلهره‌آور بود و برای یک اخراجی از این دست تنها یک جای باقی مانده بود و آن خبرگزاری پارس و رادیو با ظرفیت محدود بود.

دلکش نامزد انتخابات نبود ولی آرای بیشتری آورده بود!

در انتخابات امرداد ۱۳۳۹ در حوزه رای‌گیری جنوب شرقی تهران (محله امامزاده حسن و خزانه) بیشترین آرا به نام دلکش (خواننده) به صندوق ریخته شد. حال آنکه